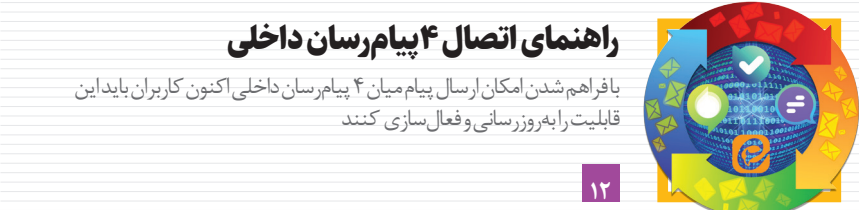


آرمان گرایی که وقف ادبیات انقلاب بود

رضا اسماعیلی، از عباسعلی براتی‌پور، شاعر پیشکسوت انقلاب می‌گوید

۱۰

دوشنبه ۱۴ دیهشت ۱۴۰۲ | ۳ شوال ۱۴۴۴ | سال سی‌ویکم | شماره ۸۷۴۷



راهنمای اتصال ۴ پیام‌رسان داخلی

با فراهم شدن امکان ارسال پیام میان ۴ پیام‌رسان داخلی اکنون کاربران باید این قابلیت را به‌روزرسانی و فعال‌سازی کنند

۱۲

هلمشهری زندگی



پدر و مادر شهید سید جواد سیدات از آخرین وصیت پسرشان می‌گویند

مخارج ختمم را به خیریه بدهید

گزارش **الناز عباسیان** روزنامه‌نگار

سن و سال زیادی نداشت اما زیاد می‌دانست. آقدرت یخته و فهمیده بود که وقتی تنها ۱۶ سال داشت وصیت‌نامه نوشت و به مادر و پدرش گفت: «اگر شهید شدم بر اسم نگیرید. پول آن را به بانک ملی برای خانه‌سازی مستضعفین به دستور امام(ره) واریز کنید.» البته خانواده چندان هم از این سطر آخر وصیت‌نامه تعجب نکردند، چون شهید سید جواد سیدات در خانواده‌ای بزرگ شده بود که کار خیر و خیرخواهی برای‌شان عادت شده بود. پدرش حاج احمد سیدات، خادم مسجد رسول اکرم(ص) محله خانی آبادن شمالی است و همیشه در امور خیر داوطلب. شهید سیدات متولد سال ۱۳۴۹ بود که در سن ۱۷ سالگی در عملیات کربلای ۴ در سال ۱۳۶۱ در شلمچه به شهادت رسید. پیکر او ۸ سال بعد در سال ۱۳۷۴ با آغوش مادر بازگشت.

اگر پلاک خانه را هم ندانی قالی از نام و نشان شهید که بر سر در خانه می‌درخشد به تو می‌گوید راه را درست آمده‌ای. مادر شهید چند وقتی است که کسالت دارد با این حال پذیرای حضور ما می‌شود. مادر از دردهاش می‌گوید: «جوادم از ۱۴ سالگی جبهه رفته بود. قد کشیدنش را ندیدم. هر بار رفت جبهه و آمد دیدم چقدر بزرگ شده. مردی برای خودش شده بود.» از تاز بخفا که می‌پرسم هر دو می‌گویند هوش و حواسی برایشان مانده اما مگر می‌شود روز تولد جواد را از یاد ببرند. انگار همین دیروز بود که در روز ولادت امام جواد(ع) صدای گریه نختین پسرشان در خانه پیچیده بود و به مبارکی آن روز اسمش را جواد گذاشتند؛ اسمی که امروز روی یکی از نوه‌ها هم هست.

پسر عموها یا هر یکشیدند عکسی از شهید در خانه برای ما سؤال برانگیز است. مگر این خانه دو شهید دارد. سکنه‌نامه‌ای، مادر

شهید بر ایمان از این عکس می‌گوید: «سیدمهدی پسر خواهر من و برادرزاده حاج‌آقا بود. آقدر باهوش بود که سال‌های مدرسه را جهشی خواند و در ۱۹ سالگی از دانشکده پزشکی فارغ‌التحصیل شد. آن زمان خانواده خواهرم در شهرستان زندگی می‌کردند و او دوران تحصیلیش را در خانه ما می‌ماند. پس از دانشگاه هم به‌عنوان امداد گرفت جبهه و بعد از چندماه شهید شد. فقط ۱۹ سال داشت؛ انگار که پسرمر رفته باشد. هیچ فرقی بین او و بچه‌های خودم نبود. او که رفت جواد هم طاقتم نبود و از همان زمان ساز رفتن را سر داد.»

در محرومیت و اینپناه می‌کرد

جواد خوش‌قد و بالا و تنومند بود. کسی فکر نمی‌کرد ۱۴ ساله باشد. برای همین وقتی عدد شناسنامه‌اش را دستکاری کرد کسی هم شک نکرده بود. از پسر اجازه گرفته و دست مادر را بوسید و راهی جبهه شد. درس‌هایش را در سنگر می‌خواند و زمان امتحانات که می‌رسید به تهران می‌آمد. بعد از امتحانات منتظر کارنامه قبولی نمی‌ماند و دوباره بار سفر را می‌بست. سیداحمد می‌گوید: «پسر باهوشی بود. دانش‌آموز مقطع راهنمایی بود که به جبهه رفت. قرارمان این بود که از درس عقب نماند. سرفولش هم ماند. سال آخر

پدر شهید، خادم مسجد

مکت

سید احمد سیدات را همه می‌شناختند. خادم مسجد رسول اکرم(ص) است که «با باجان» گفتن از زیانش نمی‌افتد و همه بچه‌ها را عزیز دلم صدا می‌زند. در سلام کردن و احترام گذاشتن بزرگ و کوچک برایش فرقی نمی‌کند. گوی همه این بچه‌ها مانند پسر شهیدش هستند که سال‌ها پیش رفته و داغش را بر دل پدر گذاشته است. می‌گوید: «سال‌ها در سازمان صدا و سیما کار می‌کردم. یک‌روز از بازتتمسکی‌ام نگذاشته بود که دیدم امام‌جماعت مسجد حاج‌آقا میرحبیب‌اللهی و چندتن از مسجیدی‌ها به خانه‌ام آمدند. ما فکر کردیم مثل همیشه برای دیدار از خانواده‌شدها آمده‌اند، اما حاج‌آقا که خبر بازتتمسکی‌ام را شنیده بود پیشنها داد که در مسجد مشغول شوم. من هم از خدا خواسته قبول کردم. با خود گفتم این همه سال خدمت خانواده بوده‌ام از اینجا بعد توفیق یافتم تا خدمت خانه خدا را کنم. پسرم خودم به جبهه همین مسجد بود. از زمانی که تازه ساخته شده بود برای نماز به این مسجد می‌رفتم. عضو بسیج بود. زمان انقلاب در همین مسجد پارچه نوشته و پلاکار می‌نوشت و در تظاهرات شرکت می‌کرد.»



آن هم سازندگی و آبادانی وطن تلاش می‌کنند، تصویر بسیار سازنده و امیدبخشی است. همانطور که نمی‌توان جامعه را بدون نقش آفرینی بانوان تصور کرد، نمی‌شود بانوان را از جریان فعالیت‌های جهادی نیز حذف نمود. در عرصه‌های مختلف فعالیت‌های جهادی مخصوصاً مدیریت و برنامه‌ریزی‌ها، حضور بانوان نه تنها غیر قابل اجتناب، بلکه لازم و ضروری است، چرا که دید جامع و عمقی‌نگر، تدبیر، شفقت و دلسوزی بانوان برای رفع کاستی‌ها و مشکلات موجود، بی‌تردید راهگشاست.

آن چیزی که می‌تواند در کنار سایر فعالیت‌ها در دستور کار اردوهای جهادی قرار گیرد، کارآفرینی است. توسعه کسب‌وکار روستایی به شرط نیازسنجی صحیح و ارزیابی ظرفیت‌ها و امکانات امری در دسترس و قابل اجراء است. این مسئله نیازمند یک برنامه‌ریزی دقیق و منسجم در راستای توانمندسازی جوانان مستعد بومی و همچنین افزایش مهارت‌های آن‌هاست. یکی از مسائلی که امروز برای پیشرفت و اعتلای کشور عزیزمان

هم صمیمی بودند. جواد هر جامی‌رفت برادرش را هم با خود می‌برد. وقتی هم که به جبهه رفت جلال هم به‌دنبالش راهی شد. عید سال ۶۶ مدت‌ها بود که خبری از جلال نبود. دوستانش می‌گفتند در عملیات محاصره شده‌اند و معلوم نیست چه پر سرشان آمده است. جواد که برای مرخصی آمد گفتم مادر جان برو از سردارت خبری بگیر. وقت رفتن گفتم مامان نگران نباش. پیدایش می‌کنم و می‌فرستمش خانه. پسرم پای حرفش ایستاد. جلال را فرستاد خانه اما خودش دیگر نیامد. من همان موقع که رفت می‌دانستم که دیگر بر نمی‌گردد. خویش را دیده بودم.» ۸ سال و نیم چشم‌انتظارش بودند و بی‌تاب. بالاخره پرگشت اما چه پرگشتی.

با آن قد و قامت و عنارت و یک قدقافه استخوان یک جواد پلاک پرگشت. سکنه‌خانم با یادآوری این خاطرات می‌گوید: «خودش همیشه به من می‌گفت مامان دعا کن من شهید شوم و مفقودالامر. از خدا می‌خواهم هر وقت بارگناهانم سبک شد اثری از من پیدا نشود. من هم راضی بودم به هر چه که او می‌خواست. سال‌ها دم نزد و پسرم را نخواست. اما روزی در مجلس ۲۸ صفر یک لحظه دلم لرزید. گفتم از چشم‌انتظاری خسته شدم جوادجان برگرد. آروز نگذاشته بود که آمد. بعد از آن همیشه ناراحتم که چرا من چنین چیزی خواستم. آن بچه

می‌خواست دیپلم بگیرد که مادرش رفت مدرسه و به معلم‌هایش گفت اجازه ندهید به جبهه برو تا درش را بخواند. معلم‌ها هم گفته بودند در سش خوب است نگران نباشید قبول می‌شود.» صحبت که به اینجا می‌رسد سکنه‌خانم می‌گوید: «بچه‌ام قوی و تنومند بود. هیچ‌وقت نمی‌گذاشت زخم و مجروحیت‌هایش را بفهمیم. یک‌بار که آمده بود مرخصی داشتم لباس‌هایش را می‌نستم. متوجه شدم یکی از پیراهن‌هایش سوراخ‌سوراخ است. گفتم جواد اینجا حتی ترکش است؟ سریع پیراهن را از من گرفتم و گفتم هیچی نیست نگران نباش. اما من می‌دانستم که هر بار می‌آید با کلی زخم و مجروحیت می‌آید و آن را از ما پنهان می‌کند.»

سیداحمد و سکنه‌خانم از دار دنیا ۱۳ پسر دارند و دختر. روزهایی بود که پدر و پسرهار در جبهه بودند و مادر می‌ماند و دختر و پسر کوچک. روزها را با چشم‌انتظاری و دل‌نگرانی می‌گذراند تا شاید یکی از مردان خانه، بازگردد. آرام و قرار نداشت. جواد که رفته بود جلال هم طاقتم نبود و راهی شد. سکنه‌خانم اما محکم و استوار مانده بود. درست مانند حالا که بر ایمان از گذشته می‌گوید: «جلال یک سال از جواد کوچک‌تر بود. خیلی

به آن نیازمندیم ارتقای روحیه همدلی است و این مهم یکی از پررنگ‌ترین وجوه اردوهای جهادی است. اینکه افراد یادگیرند با وجود تفاوت‌ها در کنار هم برای اهداف مشترکی تلاش کنند، مهارت‌یابند، به دردهای یکدیگر توجه داشته باشند و برای رفع آنها یکپوشند که باعث زندگی دل‌ها شده و وحدت‌آفرین است. نسل امروز را می‌توان برای حضور در محیط‌های داوطلبانه با نمایش عملکرد درست و ترسیم صحیح فضا تشویق و می‌توان این سبک زندگی را در تمام لحظات اردوهای جهادی تمرین کرد، چرا که به تصویر کشیدن این زیبایی‌های می‌تواند برای حضور پررنگ‌تر نوجوانان و جوانان اثر گذار باشد.

البته تحقق این مهم مستلزم پذیرفتن تفاوت‌های نسل دیروز و امروز و به رسمیت شناختن آن است. بدون آنکه دایره برای حضور سلیقه‌های متفاوت بسته و محدود شود و باید با تأکید بر اصول مشترک، شرایط را برای حضور همه افراد در اردوهای جهادی هموار کرد.

نگاه

نگاهی به فرمان ۹ بندی رهبر انقلاب خطاب به جهادگران

جهادی کار کنید، هنرمندانه روایت کنید

در بی‌دیدار جمعی از اعضای گروه‌های جهادی جوان با رهبر معظم انقلاب در تاریخ ۱۰ مردادماه ۱۳۹۸. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای فردای آن روز در پیامی خطاب به اعضای گروه‌های جهادی و بسیج‌سازندگی، ۹ نکته را به این جوانان توصیه کردند. متن پیام رهبر عزیز انقلاب اسلامی به این شرح است: جوانان عزیز گروه‌های جهادی و بسیج‌سازندگی: افزون بر چند کلمه‌ای که دیشب حضوراً گفته شد:

۱

کار تسان با ارزش است، سپاس امتال من حق آن را ادا نمی‌کند، سپاس خدا نصیب تان باد، شکرالله مساعیکم.

۲

کار جهادی، به معنی کار برخاسته از ایمان و به کارگیرنده هر چه بیشتر از ظرفیت وجودی انسان است؛ و این دو هیچ‌یک، نقطه پایان ندارد؛ پس کار جهادی امروز شما می‌تواند ده‌ها و صدها برابر، کیفیت و ارتقا و گسترش یابد.

۳

ارتقای فکری و عملی جهادگران - که گزارش آن را دادید - آنها را از خدمت‌رسانی‌های ابتدایی و غافل‌ودور نکند. تعمیر دیوار و پام و خانه آن بیزرن روستایی، به شما و کارهای بزرگ‌تان برکت و نورانیت می‌بخشد.

۴

شعار «خدمت‌رسانی برای تحقق عدالت و پیشرفت» را همگانی کنید. منظومه معرفتی اسلام در این‌باره را که مشتمل بر صدها درس از لزوم اتفاق لزوم تعاون و یز و تقوا و لزوم نفع رساندن به مردم و لزوم قیام به قسط و امثال اینهاست، در برابر میلیون‌ها جوان کشور بگذارید.

۵

جهاد خدمت‌رسانی پیش از سود رساندن به گیرنده خدمت، به‌خود خدمت‌رسان سود می‌بخشد. دل‌کنسند از بهره‌های شخصی برای بهره‌رساندن و ذهن و اندیشه‌ها را تقوا و اراده را قوت می‌بخشد و فراتر از همه، رضای الهی را جلب می‌کند. این را با قول و عمل خود به کسانی که هنوز قدم در وادی خدمت‌رسانی نگذاشته‌اند، نشان دهید.

۶

در محیط خدمت‌رسانی با اخلاق نیکو و عمل مؤمنانه، اجتناب از محرمات، تقید به مستحبات، فضای آرامون خود را آکنده از عطرا ایمان و عمل صالح کنید.

۷

حتماً خود مردم منطقه خدمت‌رسانی، به‌ویژه جوانان را در کار خدمت‌رسانی شرکت کنید؛ این نیز خدمتی بزرگ به آنهاست.

۸

به ارتباط گروه‌های جهادی با یکدیگر و ارتباط آنها با دستنگاه‌های قصادر بر پشتینی‌های برادرزایی؛ اینکه دچار ارتباط‌های اداری مرسوم دست‌وپایگیر شوید.

۹

کارهای خود، پیشرفت‌های خود، موفقیت‌های خود، توانایی‌های روزافزون خود را به شکل هنرمندانه به اطلاع همگان برسانید. نشان دهید که جهاد موفق شما که فقط گروه‌های ظرفیت‌های انسانی کشور متکی است. جقدر زیبا و شوق‌انگیز است.

شهره کیانوش‌راد روزنامه‌نگار

با دعوی میان فرزندان چه کنیم؟

دعوی بین خواهر و برادرها کاری معمول است که اغلب به بخشی از خاطرت شسرین دوران کودکی تبدیل می‌شود، اما همیشه هم اینگونه نیست. در مواردی ریشه اختلاف میان خواهر و برادرها در جوانی یا بزرگسالی را می‌توان در دوران کودکی جست‌وجو کرد. پدر و مادرها با چند راهکار ساده، می‌توانند این دعوی‌های کودکانه میان فرزندان خردسالشان را به حداقل برسانند و رابطه میان فرزندانشان را مدیریت کنند.

■ هرگز آنها را با هم مقایسه نکنید. ■ با کلماتی مانند «تو مقصری»، «تو بزرگ‌تری» یا «تو کوچک‌تری» سعی نکنید به اختلاف و دعوی آنها خاتمه دهید.

■ سعی کنید عدالت و انصاف را میان آنها رعایت کنید.

■ در دعوی آنها دخالت نکنید و ضمن نشان دادن راهکار، از آنها بخواهید راه‌حلی برای مشکل ایجادشده میان خودشان پیدا کنند.

■ قبول مسئولیت و انجام کارهای مشترک در خانه می‌تواند به دوستی بیشتر میان آنها منجر شود.

■ اهمیت دادن بیشتر از اندازه به فرزند بزرگ‌تر می‌تواند حس حسادت را در فرزند کوچک‌تر بیشتر کند.

■ احترام گذاشتن به همدیگر را با تشویق کردن آنها بیشتر کنید.

■ خواندن کتاب و داستان‌هایی با موضوع دوستی و تماشای فیلم‌های کارتون‌ی همین موضوع در ایجاد صمیمیت میان کودکان مؤثر است.

■ دعوی میان کودکان، اغلب به دلیل بر خاشگرگی یا حس مالکیت نسبت به اسباب‌بازی و وسایل شخصی است. والدین می‌توانند از این فرصت استفاده کنند و آنها را با واژه‌هایی مانند بخشش و مشارکت آشنا کنند.

■ بهتر است والدین زمانی را به بازی کردن همراه فرزندان اختصاص دهند.

■ فراموش نکنید اگر کودکان شاهد روابط خوب و صمیمی میان والدین باشند و در محیطی آرام رشد کنند، بهتر می‌توانند با سایر کودکان و خواهر و برادرهایشان ارتباط برقرار کنند.

چگونه فرزندان را برای تولد نوزاد جدید آماده کنیم؟

ورود فرزند دوم با سوم با تغییراتی در نحوه زندگی خانواده همراه خواهد بود. تغییر اتاق، تقسیم فضای اتاق فرزندان قبلی، کم‌شدن فرصت مسافر برای رسیدگی به فرزندان اول و این سؤال که «چگونه فرزندان را برای تولد نوزاد جدید آماده کنیم؟» یکی از مباحث مهم تربیتی است که والدین باید به آن واقف باشند تا قبل از تولد دختر یا پسر دیگر به جمع خانواده‌شان، زمینه را برای ورود فرزند جدید آماده کرده باشند.

■ بچه‌ها را از ورود یک فرزند جدید به جمع خانواده مطلع کنید.

■ آنها را برای خرید لوازمی مانند لباس و کفش برای فرزند جدید به خرید ببرید.

■ خریدن هدیه‌ای از طرف آنها برای خواهر یا برادر تازه متولدشده یکی از راه‌هایی است که حس مهریابی را در آنها تقویت می‌کند.

■ با او صحبت کنید و زمینه را برای حضور تان در بیمارستان و تولد بچه آماده کنید و به زیبایی کودکانه نبودنتان در خانه برای یک یا دو شب را برای او توضیح دهید.

معرفی کتاب

تولد نوزاد جدید

والسیدین لازم است قبل از به دنیا آمدن فرزند جدید، آگاهی خود را از چگونگی ارتباط فرزند اول و خود را از آینده از نظر ایمان و عمل صالح کنید.

حتماً خود مردم منطقه خدمت‌رسانی، به‌ویژه جوانان را در کار خدمت‌رسانی شرکت کنید؛ این نیز خدمتی بزرگ به آنهاست.

معرفی کتاب

تولد نوزاد جدید، آگاهی خود را از چگونگی ارتباط فرزند اول و خود را از آینده از نظر ایمان و عمل صالح کنید.

معرفی کتاب

تولد نوزاد جدید، آگاهی خود را از چگونگی ارتباط فرزند اول و خود را از آینده از نظر ایمان و عمل صالح کنید.

معرفی کتاب

تولد نوزاد جدید، آگاهی خود را از چگونگی ارتباط فرزند اول و خود را از آینده از نظر ایمان و عمل صالح کنید.